

مدرسه یکی از نهادهای مهم اجتماع است که تأثیری ژرف بر تحول کودک بویژه بر تحول فرآیند انطباق جویی و اجتماعی شدن وی دارد. در مدرسه دانش آموز با الگوها، نقش‌ها، اصول و قوانین و مبانی اجتماعی زیستن آشنا می‌شود و به تدریج توان بیان نیازها و طریق ارضای آنها را از راه تبادلات و تعاملات اجتماعی کسب می‌کند. رعایت حقوق دیگران و داشتن نظم و ترتیب در کارها نیز به طور مستقیم و یا در حین کسب آموزش‌ها و مهارت‌های مختلف در مدرسه فراگرفته می‌شود.

در سالهای اخیر برخی از روانشناسان به دنبال ارائه راهبردهای عملی برای برقراری و گسترش انضباط در آموزشگاه هستند. متن حاضر نیز به بررسی راهبردهای انضباطی در مدارس از دیدگاه روانشناسان اختصاص دارد.



دکتر صفری ابراهیمی قوام

راهبردهای انضباطی در مدرسه

راهبردهای انضباطی در مدارس در سه سطح قابل اجراست:

۱- کل آموزشگاه

۲- کلاس درس

۳- کنترل شخصی توسط خود دانش آموز

در زمینه کل آموزشگاه باید به سه عنصر اصلی مدیریت آموزشگاه، آموزگاران و برنامه‌های درسی توجه داشت.

مدیریت آموزشگاه:

وظیفه مدیر آموزشگاه از چند جنبه دارای اهمیت است:

۱- نظارت بر حسن کار آموزگاران

۲- برقراری روابط سالم و سازنده با آموزگاران

۳- بررسی، تحلیل و تبادل فکری در پاره‌ای از مسایل با آموزگاران

۴- تبیین مقررات و دستورات اداری مراجع بالاتر آموزشگاهی.

مبانی

برقراری و گسترش

انضباط در مدرسه

مدیر مدرسه باید نقش فعالانه‌ای در رهبری امور و روابط انسانی مثبت و سازنده با آموزگاران، دانش‌آموزان و سایر افراد داشته باشد. وی باید بطور مکرر و منظم جهت حفظ رفتار خوب و وظیفه‌شناسی، بازخوردی از عملکرد به کارکنان و سایر افراد حاضر در آموزشگاه ارائه دهد. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که داشتن روابط خوب موجب نظارت دقیق زبردستان می‌گردد، زیرا رفتار آدمی محصول تعامل بین اثرات محیطی و انگیزه‌های درونی است. با برقراری روابط مؤثر، الگوهای نافذ تأثیر گذارنده متقابل به وجود آمده که برای ایجاد هر تغییر مقتضی، لازم است.

جنبه دیگر ارتباط مدیران با زبردستان، منطقی‌گرایی آنهاست. آنها نه تنها در کاربرد مقاصد آموزشگاهی باید ابزار مناسب و مؤثر بر محیط را انتخاب نمایند بلکه انتخاب اهداف مناسب با توجه به ارزشها و بکارگیری منطق در حمایت از این ارزشها نیز باید مورد توجه قرار گیرد. مدیر می‌تواند در حکم یک الگو در آموزشگاه تأثیرگذار باشد زیرا بسیاری از رفتارها از طریق مشاهده تعاملات افراد با یکدیگر آموخته می‌شود و از این رو وجود رویه‌های رفتاری مناسب و با ثبات مدیر با سایر اعضا و کارکنان آموزشگاه حائز اهمیت است. همچنین مدیر موفق مدیری است که در عین داشتن همدلی و صمیمیت با دیگران، توانایی به کارگیری قوانین و مقررات آموزشگاهی را داشته باشد و به تمایز حدود و حریم شخصی از مسایل حرفه‌ای توانا باشد. مدیر مدرسه در عین حال که از بالاترین مراجع در آموزشگاه محسوب می‌گردد باید در جزئیات مسایل و رویدادهای مهم در مدرسه قرار گیرد و جهت حل و رفع آنها، نقش فعال و مؤثری داشته باشد. مدیر مدرسه باید این توانایی را دارا باشد که در مواقع ضروری و بنا بر نیاز، جلسات توجیهی و بازخورد دهنده با آموزگاران و یا سایر

اعضای آموزشگاه داشته باشد.

دومین محوری که در کل آموزشگاه باید مورد توجه قرار گیرد، آموزگاران هستند. اولین قدم برای برقراری و استمرار انضباط در آموزشگاه، انتخاب معلمین براساس معیارهای مشخص و روشن است، معیارهایی چون توانایی برقراری ارتباط به طور مثبت، انتقال سریع مفاهیم، درک آنها و ارائه بازخورد، سلامتی فکری - اخلاقی، نحوه نگرش نسبت به دانش‌آموز و آموزشگاه که باید مثبت و سازنده باشد. علاوه بر انتخاب مناسب داوطلبین حرفه آموزگاری، پس از فارغ‌التحصیل شدن، دانشجو معلمان باید به سؤالاتی در زمینه‌های:

۱- محتوای دروس خوانده شده ؛
۲- نظام آموزشی ؛ ۳- اداره رفتار در کلاس ؛ ۴- تحول کودک، پاسخ گویند تا معلوم شود که آیا آموزش در این قلمرو در حدی بوده است که پس از آغاز کار احساس مسلط بودن و رضایتمندی به شغل خود داشته باشند. توجه به رشد اخلاقی و تضاد اخلاقی در مراکز تربیت معلم باید مورد توجه قرار گیرد تا بدین وسیله شیوه‌های انضباطی منطقی در آموزشگاهها حاکم گردد. علاوه بر این در مراکز تربیت معلم آموزش شیوه‌های برخورد و حل تعارضات بین فردی ضروری است تا بدین وسیله از شدت رفتارهای روانی حرفه معلمی کاسته شود. سومین محور، برنامه‌های درسی است که در آموزشگاه ارائه می‌شود. برنامه‌های درسی و اجتماعی بر سیاست آموزشگاه، اداره رفتار و انضباط تأثیر گذارنده است. محتوای دروس باید متناسب با سطح تحولی (شناختی و روانی) دانش‌آموز باشد. اگر محتوای دروس جالب، متناسب و قابل درک کودک باشد، بسیاری از مشکلات رفتاری ناشی از عدم توجه و یا بی‌رغبتی، از بین خواهد رفت. بسیاری از مشکلات رفتاری دانش‌آموزان حاصل مشکلات درسی آنها است. این مشکلات ممکن

است در زمینه خواندن، نوشتن و یا سایر مقولات باشد. بسیاری از دانش‌آموزانی که پیشرفت تحصیلی اندکی دارند انگیزه کافی کار در مدرسه ندارند (انجام تکالیف درسی) و پاره‌ای دیگر هم یا به دلیل نداشتن توانایی و یا وجود هر دو عامل، تسوئق تحصیلی بدست نمی‌آورند. آموزگاران باید از تعامل بین عوامل هوشی و هیجانی آگاه باشند، هر چه میزان توجه و انتظار موفقیت تحصیلی پایین‌تر باشد، فرصت ایجاد و گسترش نگرشهای منفی نسبت به آموزشگاه افزایش خواهد یافت.

در ارائه و تعیین محتوای دروس باید زمینه‌های اجتماعی و قومیتی را در نظر گرفت زیرا عدم ملاحظه آنها موجب شکست برنامه‌های آموزشی می‌گردد، همچنین ارائه ضعیف دروس می‌تواند در این امر تأثیر داشته باشد. باید فرصتهای لازم جهت تدریس مناسب و آموزش رفتارهای مثبت برای دانش‌آموزان فراهم آید تا بدین وسیله ارتقای سطح کیفی روابط بین فردی و انضباط دانش‌آموزان تحقق یابد.

کلاس درس:

عوامل دومی که نقش مؤثری در برقراری و استمرار انضباط دارد، جو و شرایط کلاس درس است. جو کلاس باید بر تساوی حقوق، تمرکز بر فرد، اهداف فایده بخش در گسترش استقلال و خود جهت دهی شخص، استوار باشد. اخیراً دیدگاهی تحت عنوان دیدگاه اکولوژیک کلاس درس مطرح گشته است که در آن موقعیتها و شرایط مختلفی را که ممکن است در کلاس درس روی دهد مورد توجه و بررسی قرار داده است. در این دیدگاه به سه علت ممکن است در کلاس درس مشکلاتی ملاحظه گردد:

۱- مشکل ناشی از خانواده است و موجب بروز اشکال در آموزشگاه شده است.

۲- مشکل آموزشگاه، موجب

آشناگی در خانواده شده است.

۳- مشکلاتی در مدارس است که موجب اختلال در نظام خانوادگی نشده است.

مدل اکولوژیک در پی آن است که مشکلات رفتاری در آموزشگاه را در سیستمهای بین فردی که موجب حفظ و ارتقای رفتار می شود، تعریف کند و بر مکانیزم تحلیل و تغییر الگوهای تعاملاتی متمرکز است. در بررسی سبکهای مختلف اداره کلاس بطور مثبت و مؤثر توسط آموزگاران، چهار قاعده مورد استنباط قرار گرفت:

۱- همراه داشتن دانش آموز در طی درس (Get them in) شروع درس باید آهسته، ساده و بطور پیشرونده، همراه با آماده سازی دانش آموزان، دادن تکالیف کوتاه و ساده از دروس قبلی یا مهارتهایی که باید در شرایط جدید به کار گرفته شود، باشد. این امر موجب ایجاد احساس شایستگی و توانمندی در دانش آموز، ایجاد فرصت لازم برای آموزگار و کنار آمدن با کمبودها و یا فقدان امکانات می شود.

۲- به سرانجام رساندن درس همراه با دانش آموز (Get them out) در پایان دادن به درس آموزگار باید نقش فعالی داشته باشد، از درس نتیجه گیری کند، مطالب گردآوری شده همراه با مطالب کتاب را به طور سازمان یافته، مرور کند و بدین وسیله امکان تقویت مطالب، بازگویی آنها و فعال شدن دانش آموز را به وجود آورد. آموزگار می تواند با شیوه های مختلف دیگری نیز درس را به پایان رساند؛ بازی، خواندن با آهنگ دلنشین و مناسب و امتحان. با بکارگیری این قاعده نیز حتی دانش آموز تا موقعی که بطور کامل مطالب پیچیده را فرا نمی گیرد. احساس خرسندی می کنند.

۳- ایجاد فرصت آموختن بهتر با بهره گیری از منابع (Get on with in). انتخاب محتوای مناسب برای دروس و مطمئن شدن از اینکه دستیابی به کدام

بخش از مطالب سهل تر است، گام مؤثری است که آموزگار در یاری و مساعدت دانش آموزان ضعیف برمی دارد. تهیه خلاصه عنوانین، تهیه فهرست مفاهیم و مطالب کلیدی همراه با تبیین و تعریف آنها بسیار مهم است.

۴- همراهی با دانش آموز (Get on with them) ایجاد روابط شخصی با او موجب شناخت بهتر از وی و آگاهی از نقاط قوت و ضعف او می شود که با در نظر گرفتن آنها می توان مساعدت بیشتری به او رساند و بر حس ارزشمندی و احترام به خود وی افزود که همین امر بر پیشرفت تحصیلی مؤثر است. راهبردهای مختلفی جهت برقراری رابطه خوب با شاگردان ارائه شده است که به قرار ذیل می باشد:

۱- دانستن نام، علایق و ... دانش آموز

۲- ملاحظه مکرر دانش آموز

۳- تأکید بر رفتار مثبت و پاداش بخش به همان اندازه کار خوب

۴- بیان انتظارات و مقررات به طور روشن

۵- تعریف واضح رفتار خوب

۶- برخورد با دانش آموز به شکل مستمر و مداوم

۷- بکارگیری شیوه های انضباطی مشخص یا در نظر گرفتن مقدار معقول آن.

۸- برنامه ریزی و سازماندهی دروس و در نظر گرفتن منابع مادی و محیطی به طور انعطاف پذیر.

با توجه به قواعد ارائه شده می توان به نقش رهبریت معلم در فرآیند آموزش پی برد.

چنانچه در کلاس رفتار دشواری به چشم خورد این مراحل در بررسی مشکل باید مورد توجه قرار گیرد:

۱- تعیین ماهیت و گستره مشکلات رفتاری کلاس درس که آموزگار با آن مواجه است.

۲- تعیین نحوه پاسخ آموزگار به

رفتار دانش آموزان در کلاس.

۳- بررسی و ارزیابی روشهایی که منجر به افزایش رفتارهای مناسب در کلاس درس شده و کاهش رفتارهای نامناسب و به کارگیری روشها

۴- گسترش و ارزیابی از روشهای تجربه شده، آموزش آموزگاران جهت اداره و کنترل رفتار مؤثر در کلاس درس.

سومین عامل کنترل شخصی دانش آموز

دانش آموز براساس ارزشهای اخلاقی و اجتماعی فراگرفته شده، رفتار خود را در جهت درست هدایت می کند و در واقع اداره و کنترل رفتار توسط خود دانش آموز صورت می گیرد. در اینجا هم مرحله رشد اخلاقی دانش آموز و ارتقای آن و هم ارائه الگوهای رفتاری مناسب در محیط آموزشگاه و بیان قواعد و مقررات به طور روشن و قابل درک برای دانش آموز حائز اهمیت است. به منظور کمک به دانش آموزان، آموزگاران می توانند به آموزش خویشتن داری بپردازند ۱- ارائه تقویت مثبت؛ ۲- ندادیده گرفتن رفتارهای ناخوشایند جزئی؛ ۳- در نظر گرفتن اهداف کوتاه مدت و واقع بینانه. این امر به کودکان یاری می دهد تا عادات کاری بهتری را در خود رشد و گسترش دهند (هود و هود ۱۹۸۱)

منبع:

برگرفته شده از کتاب:

Discipline in school. Psychological perspectives on the Elton report. Edited KEVIN WHELDALL (1992), First published by Routledge.